

# موقعيت ممتاز از دست رفته

## و

# حمايت سياسي از داعش

اميرفيض- حقوقدان

هدف نهانی از تنظيم این تحریر، بیان یک موقعیت بسیارممتاز از دست رفته است که بهانه داعش که این روزها مطرح است موقعیتی برای تجدید یاد آن فراهم شده است.

مقدمه این تحریر درهامش این موضوع قرار دارد که حمايت سياسي – فلسفی از داعش درفصلی نهان و آشکار، چنان جریانی دارد که حمايت های مالی و تسلیحاتی از داعش را كاملاً تحت الشعاع قرار داده است.

\*\*\*

هنوز حرکتهای نظامی مشهودی از داعش در خبرگزاریها منتشر نشده بود که خبرگزاریها باتفاق تصمیم تبدیل داعش به دولت اسلامی را اعلام کردند. آنطور این خبر عمومیت یافت که هر جا نام داعش مطرح میشد با کلمه سابق همراه شد و نام تازه آن که دولت اسلامی اعلام شده بود بیاد خواننده خبر میخکوب میشد. حتی یکبار هم شنیده نشد که از واژه باصطلاح در بکار بردن واژه «دولت» استفاده شود چیزی که معمول استفاده خبرگزاری هاست تا ایجاد تائید ضمنی بشمار نرود.

بظاهر خبر کوچکی است یک گروه اسلامی نام خود را دولت گذاشته است ولی در باطن اهمیت همین یک کلمه که معرف مشروعیت داعش است بزرگترین قدرت سیاسی و فلسفی و اجتماعی و دینی را به داعش داده است.

آیا شما تصور میکنید که خبرگزاریهای جهان که نبض و سیاست جهانی و افکار مردم جهان را در دست دارند تاثیر و تخصیص این کلمه را برای یک گروه شبهه نظامی نمیدانند؟

وقتی نشریه یک لاقبای سنگر در سال ۱۳۶۲ اهمیت دولت را در کاربرد مبارزات سیاسی میدانسته و در سنگرها از جمله سنگر ۱۵۵ پیاده کرده چگونه ممکن است تصور کرد که تخصیص عنوان دولت به یک گروه اسلامی مسلح یک امر حساب شده نبوده است.

در سال ۱۳۶۲ در مقاله لزوم تشکیل دولت در تبعید از سوی اعلیحضرت، در فصل داخلی آن مقاله تحت عنوان چرا تشکیل دولت در تبعید و یا دولت موقت لازم است اشاراتی به موقعیت حقوقی و شرعی دولت در جوامع، خاصه جوامع اسلامی شد و در سنگرهای بعدی خاصه در مقاله «امروز فقط دولت موقت»،

بحث مزبور باجامعيت بيشتري درسنگر ۱۵ شهريور ۸۰ پيگيري گرديد؛ اکنون برای نتیجه گيري به قسمتهای از آن ها اشاره ميشود.

دولت واژه ای است عربي و در اصطلاح سياسي با آنکه معانی مختلفی دارد ولی همگی در ارتباط با مفاهيم کشور داری است و به همین دليل یکی از تعاريف جامع و اختصاری دولت چنین است: **<دولت سلطنت و حکومت گروهی برکشور است>**

دولت در نزد عامه مردم، مجموعه ای از شخصيتهاي فردی و حقوقی هستند که مسئوليت اداره کشور را به مفهوم عام کلمه عهده دار ميشانند و مردم در ارتباط با همین کلمه دولت و برداشت حاصله از آن است که خود را مکلف به اطاعت از دولت ميدانند (صرفنظر از عادت فرهنگی مردم؛ اسلام و مذاهب تابعه از اسلام هم اطاعت از دولت و حکومت را تکليف مسلمانان شناخته است).

بنابرهمین تاکيدات اسلامی و فرهنگ مردم است که مردم مشروعيتی خاص و انحصاری برای دولت ها قائلند بدون اینکه خود را نیاز به دانستن مبانی مشروعيت دولت و کيفيت حکومت و چگونگی تشکیل آن بدانند.

دولتها از این نظر در نزد مردم مطاع و معتبر هستند که واجد مشروعيت ميشانند. مشروعيت یعنی عملی که شرعی و مطابق دین و مذهب باشد، و معنای وسیع تر آن این است که هر طریق و روشی که بر بندگان خدا آشکار شود و خداوند منعی بر آن ننهاده باشد امری است شرعی (انتخابات و سيستم جمهوری در اسلام فاقد مشروعيت ونهی شده است).

تاریخ حقوق اداری نشان میدهد که دولتها از قبل از اسلام از نظر عامه واجد مشروعيت بوده اند و همین مشروعيت بوده که در حقوق اسلامی و قرآن پیاده شده است.

این نکته بیاد داشتنی است که مشروعيت دولتها قبل از اسلام به اعتبار مشروعيتی بوده که پادشاهان از ناحیه خدا (اهورامزدا) داشته اند و اسلام هم خود را از آن تکیه گاه مشروعيتی کنار نکشیده است.

خاقانی شاعر بزرگ ایران در صدها سال قبل گفته است: **<تخم دولت سالها بر امتحان افشانده اند>**

**یعنی مردم، دولت شناس هستند و قول و قرار دولتها را اصیل میدانند و به آنچه خود را مکلف میدانند**

**حکم دولت است. مردم یک هزارم اطمینان به قول و قرار دولت را به سازمان و گروه و جمعیت و کنگره**

**و شورا و حزب و امثال آنها نمیدهند.**

مردم به اعتبار علانم آشنا و یاسابقه به حرکت در می آیند؛ کلمه دولت آنهم با پسوند اسلامی برای یک گروه چرا نباید گرایشهای دینی و روحی و روانی برای آن گروه ایجاد نکند؟ این مسیر مهیا برای قبول داعش را آمریکا و اسرائیل (۸۰ درصد خبرگزاریهای جهان در اختیار صیهونیسم است) فراهم ساخته است که ارزش آن در کار سیاسی و مبارزه هزاران برابر با تانگ و توپ است.

دولت در حقوق بين الملل نماينده حق حاكميت يك ملت و كشور است؛ دولت نتيجه راه پيموده سياسي و دمكراسي است. فاصله دولت با عضويت در سازمان ملل يك تشريفات است، اين موقعيت ها براي حزب و كنگره و سازمان و گروه باهر اسم و رسمي فراهم نيست. داعش يك گروه مسلح و بقول غيراسلامي ها تروريست و آدمکش است؛ ولي وقتي همان غيراسلامي ها اين گروه را دولت اسلامي خواندند و در تمام سخنراني ها و خبرگزارى ها داعش، دولت اسلامي معرفي شد. تحصيل موقعيتي براي داعش شده است كه محال بود از طريق طبيعي يعنى طى مسير مبارزه حتى مسلحانه به آن برسد.

تخصيص اين موقعيت به گروه داعش سبب ميشود كه نه تنها مسلمانان جهان بحكم كلمه دولت اسلامي راه بيعت و تبعيت از داعش را انتخاب كنند (فطرت مسلمانان در بيعت با خلفا) بلكه غيراسلامي ها هم در مخالفت و مبارزه با داعش احتياط نمايند؛ چرا كه مخالفت با دولتها احتياط بردار بوده و رغبته عمومي را همراه ندارد.

تخصيص عنوان دولت به داعش، داعش را از هرگونه اتهام ترور و بى عدالتى مصون و مبراساخته است.

زيرا دولت اسلامي را نميتوان تروريست ناميد و نميتوان بى عدالت و متجاوز شناخت چراكه، دولت اسلامي مقيد به اجراى احكام اسلام و قرآن است و جامعه اسلامي هم به عدالت و انصاف و حق بودن قرآن اذعان دارد. پس اصل، صداقت، پاكي و عدالت گري از ارکان دولت اسلامي است مگر آنكه خلافش ثابت شود يعنى برخلاف قرآن و سنت عمل شده باشد.

در حقوق مدرن هم نسبت به دولت همان اصل اصالت و مشروعيت جاري است يعنى دولتي كه بر طبق قانون اساسي كشور و راي مجلس عمل ميكند، عملش منبعت از حاكميت مردم است و نميتوان عنوان تروريست و بى عدالتى و زورگوئي به آن داد مگر با اراده ملت و طريقي كه قانون اساسي مقرر کرده است.

آمرিকা و اسرائيل چنين موقعيت استثنايي كه هيچ گروه سياسي تاکنون در دنيا نداشته خيلى راحت و بى سروصدا براي داعش بوجود آوردند و امروز داعش بصورت يك دولتي شناخته ميشود كه تمام مراتب مقدماتي براي رسيدن به موقعيت دولت را يكشنبه بوسيله آمريكا و اسرائيل طى کرده است.

فرق بين دولت اسلامي و گروه داعش در اين است كه يك گروه سياسي پس از طى مراحل سياسي و پيچ و خمها و شكست ها ممكن است به موقعيت دولت برسد و يا در نيمه راه مضمحل گردد ولي داعش بدون طى آن دوران يك شبهه به مقام دولت اسلامي رسيد <ناخوانده درس شد مدرس و امام و دانشمند>.

طبيعت دولت اعتماد زائي است افراد براحتي به دولت كمك ميكند زيرا قول دولت را در جبران و واريز آن قبول دارند؛ ولي يك هزارم اين اعتماد نسبت به حزب و شورا و كنگره و شخص وجود ندارد.

مردم كمك به دولت اسلامي را تكليف شرعي ميدانند ولي كمك به گروههاي سياسي را نوعي كلاهبرداری و تسليم به آن ميپندارند.

حقوق بین الملل کمک دولت ها به دولت اسلامی را امری آزاد میداند، ولی کمک به گروه های سیاسی را مداخله در امور کشورها تلقی میکند و اولی علنی و توأم با سربلندی و دومی پنهانی و مواجه با احتیاط و اعتراض کشورهاست.

دولت میتواند از دول دیگر تقاضای حمایت و کمک کند ولی همین امر وقتی از جانب یک گروه سیاسی بعمل آمد وطن فروشی و نوکری بیگانه تلقی میشود.

### نتیجه گیری از مقدمه بالا

اشارات بالا بدین سبب به تحریر آمد که یاد آور این تاسف بزرگ بشود که مشخص ترین و برجسته ترین موضوعی که سنگر پیگیر تحقق آن بود؛ تشکیل دولت موقت برطبق اصول مقرر در متمم قانون اساسی از سوی اعلیحضرت بود که بهرمناسبتی در جامع بودن و اصالت قانونی تشکیل آن دولت در سنگرها استدلال شد حتی هنگامیکه طرح تیم نجات کشور از سوی عده ای از قضات کشور و وکلای دادگستری مقیم ایران نسبت به تشکیل دولت موقت ارائه حضور اعلیحضرت گردید، امر دفاع از آن لایحه و پاسخگویی به ایرادات و اشکالات را سنگر عهده دار گردید.

فراموش شدنی نیست هنگامیکه اعلیحضرت از برنامه های خودشان درباره ایران فردا با پاری ماچ در بهمن ماه سال ۱۳۶۳ سخن گفتند و فرمودند:

«من نسبت به تمام مردم ایران احساس مسئولیت میکنم. این مسئولیت پادشاه نسبت به ملتش برای ایجاد شق جانشین نسبت به شق خمینی است. ما باید یک سیستم حکومتی مانوس داشته باشیم تا به دنیا ثابت کنیم و تابدانند که میتوانند روی ما حساب کنند».

گزارشگر پاری ماچ در مقابل بیانات اعلیحضرت گفت:

ولی مگر غیر این است که چنین دستاوردی از راه تشیکل دولت در تبعید بدست میآید. منظورم این است که یک محل تمرکز توجه باید بوجود بیاید، آیا نبودن چنین مرکزی مردم را از وجود شق دیگر محروم نمیکند؟

اعلیحضرت پاسخ فرمودند:

«شما کاملا درست میگویند. در عمل این همان چیزی است که من در حال حاضر سرگرم انجام آن هستم امروز اکثریت مردم به این نتیجه رسیده اند که تنها کسی که میتواند این اقدام را انجام دهد خود من هستم

<.....>

یعنی اعلیحضرت تصدیق کردند که راه منحصر همان تشکیل دولت موقت است و همچنین اعلام داشتند که از همان زمان سرگرم تحقق و تشکیل دولت موقت میباشند و از همه مهمتر به این حقیقت تاریخی اذعان هم فرمودند که تنها کسی که میتواند این اقدام یعنی دولت موقت را تشکیل بدهد ایشان هستند.

### ایشان در کجا بودند و اکنون به کجا افتاده اند

ولی معهذا بعلی که پوشیده نیست و بارها مطرح شده راه تشکیل دولت موقت و حرکت در شاهراه تداوم مشروعیت اجرایی قانون اساسی و متمم آن، طریق طی دوران کارآموزی شورای تجزیه طلبان را انتخاب و با گذراندن آن دوره مسئولیت تجزیه ایران را با نوشتن قطعنامه شورای تجزیه طلبان و قبول ریاست آنها را برعهده گرفتند.

### دنیا در انتظار تشکیل دولت موقت شاه

از ابتدای تغییر نظر و انتظار جهان آزاد نسبت به جمهوری اسلامی یعنی سالهای ۱۹۸۳ - جهان در انتظار تشکیل دولت موقت از سوی اعلیحضرت رضاشاه دوم بود، یک سند تاریخی ارائه میشود که شاید کمتر مورد توجه قرار گرفته باشد.

گزارشگر مفسر کانال تلویزیونی لوس آنجلس بنام آقای شمسون در کانال ۷ از آمریکا- از کشورهای جهان خواست که دولت تبعیدی ایران برهبری رضاشاه دوم را برسمیت بشناسند.

در آن گزارش، تکیه بر تشکیل دولت در تبعید به رهبری شاه بوده است، زیرا قانون اساسی مشروطیت ایران انحصاراً تشکیل دولت را از حقوق شاه میداند نه سازمانها و افراد و غیره، آن گزارشگر به این موقعیت و امتیاز خاص تشکیل دولت موقت از جانب شاه آگاه بود که ایرانیان یا نا آگاه و یا مستعد به نا آگاهی.

### سند دیگری که هر چه خوانده شود بار تاسف بیشتر خواهد بود

شبکه تلویزیونی ان - بی - سی در دوشنبه شب چهاردهم فوریه ۱۹۸۳ در لوس آنجلس در تفسیری از اوضاع جهان و ایران بوسیله آقای هرشن مفسر سیاسی آن شبکه گفته شد.

«ما اشتباه بزرگی مرتکب شدیم که در نتیجه هزاران انسان بی گناه جان خود را از کف دادند و به خاطر چنین سیاست غلطی دنیای امروز بیش از گذشته درهم ریخته است؛ ممکن است روزی ۴۰ سال دیگر سریال هائی درباره ایران بر پرده تلویزیونها منعکس گردد و بچه ها از والدین خود خواهند پرسید ایالات متحده چه کرد؟ نقش ما چه بود؟ وظیفه ما به آنها این خواهد بود که بگوئیم ما این بلاها را بر سر شاه آوردیم و در اثر سیاست خود به مخالفین این توان دادیم که قشریون مذهبی بر ایران حاکم شوند و باید بگوئیم که اغلب آمریکائیها درباره آنچه که شاه ایران انجام داده بود گمراه شدند و چاره دیگری برای شاه وجود نداشت.»

مفسر مزبور بعد از ادامه صحبتها كه مشروح آن درسنگراول تيرماه سال ۸۴ درج است؛ ميگويد حالا بايد چه بكنيم و خود او چنين پاسخ داده است.

**ايران را برسميت بشناسيم، البته شناخت ديپلماسي نه رژيم آيت الله خميني را بلکه برسميت شناختن دولت در تبعيد شاه جوان ايران - انرا به رسميت بشناسيم. بقدری این کار صحیح و اخلاقی است و این شهادت بقدری از نظر سياسي دردنيای آشفته امروز مهم است كه دولت ما را در ۴۰ سال بعد در موضع بهتری قرار ميدهد ..... (پايان)**

از اين توجه و انتظار جهان از تشكيل دولت موقت بوسيله شاه چه استفاده ای شد؟؟ وای بر ما كه پاسخش هيچ است و كاش كه باهيچ غائله ختم ميشد كه نميشود و فساد از دست دادن آن امتياز و موقعيت انحصاری برای مبارزه عليه رژيم غاصب جمهوری اسلامي اظهر من الشمس است.

باتاسف از تاسف مشترکمان ...

